

# **Abdel Fattah al-Sisi's Foreign Policy Strategy and its Security Requirements for Iran**

**Omid Azizyan,**

Ph.D Student - UNiversity of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Omidazizyan@gmail.com

**Hossein Rafie**

(Corresponding Author) Associate Professor, Faculty Member of Mazandaran University, Mazandaran, Iran, H.rafi@umz.ac.ir

## **Abstract**

Abdel Fattah al-Sisi changed Egyptian foreign policy strategy after gaining power in Cairo. Al-Sisi is following a realistic trend in foreign policy. But he is also trying to limit Iran's regional influence through an offensive approach. Meanwhile, the expansion of cooperation with Israel and active participation in the anti-Iranian regional coalition threatens Iran's national security. With this in mind, the present study seeks to answer the fundamental question of what requirements the foreign policy strategy of Abdel Fattah al-Sisi in the region has created for the foreign policy and national security of the Islamic Republic of Iran? In this paper, "Copenhagen School's theory of Regional Security", "offensive realism" and the decision-making theory are used as a combined theoretical framework. Furthermore, the research method of this essay is descriptive-analytical. findings of the present study indicate that Egypt, with its growing intimacy to Israel, establishing an Arabian front with the participation of the United Arab Emirates and Saudi Arabia, pursuing confrontational policies against resistance movement in the region, and widespread confrontation against Tehran's regional policies, affects Iran's national security. Therefore, Cairo's

behaviour has created the need for reconsideration of Iran's type of interaction with Egypt at both levels of confrontation and de-escalation.

**Keywords:** Strategy, Abdel Fattah al-Sisi, Security necessities, Iran, Middle East, Egypt

# راهبرد سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی و الزامات امنیتی آن برای ایران

امید عزیزیان

دانشجوی دکترای دانشگاه مازندران، مازندران، ایران Omidazizyan@gmail.com

حسین رفیع

دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران، (نویسنده مسئول) H.rafi@umz.ac.ir

## چکیده

عبدالفتاح السیسی پس از به قدرت رسیدن در مصر، استراتژی سیاست خارجی مصر را تغییر داد. سیسی در سیاست خارجی روندی واقع‌بینانه را دنبال می‌کند. اما وی با رویکردی تهاجمی در تلاش است نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود کند. در این میان، گسترش و توسعه همکاری‌ها با اسرائیل و مشارکت فعالانه در ائتلاف منطقه‌ای ضد ایرانی، امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند. با این اوصاف، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که استراتژی سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی در منطقه، چه الزاماتی را برای سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است؟ در این مقاله، از نظریه «امنیت منطقه‌ای مکتب کپنهاگ»، «واقع‌گرایی تهاجمی» و نظریه «تصمیم‌گیری» به‌صورت تلفیقی به‌عنوان چارچوب نظری بهره‌گرفته‌شده و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای-اسنادی استفاده‌شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن است که مصر با نزدیکی فزاینده به اسرائیل، تلاش برای ایجاد جبهه عربی همراه با امارات متحده عربی و عربستان سعودی، سیاست‌های تقابلی علیه گروه‌های مقاومت در منطقه و تقابل گسترده با سیاست‌های منطقه‌ای تهران، امنیت ملی ایران را در سطحی گسترده متأثر ساخته و ضرورت بازنگری در نوع تعامل با مصر را در دو سطح تقابل و تنش‌زدایی ایجاد کرده است.

**واژگان کلیدی:** راهبرد، عبدالفتاح السیسی، الزامات امنیتی، ایران، خاورمیانه،

مصر.

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۷/۲۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۱/۱۱

فصلنامه راهبرد، سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی ۱۰۱، اسفند ۱۴۰۰، صص ۷۳۱-۷۶۰

## مقدمه

روابط ایران و مصر از گذشته تا امروز روندی متفاوت را طی کرده است. مصر به‌عنوان یکی از کشورهای مسلمان و مهم خاورمیانه همواره به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تحولات سیاسی این منطقه حساس اثرگذار بوده است. از آنجاکه مصر یکی از کشورهای آفریقایی منطقه خاورمیانه می‌باشد به علت موقعیت ژئوپلیتیکی به‌عنوان دروازه اروپا شناخته می‌شود. این کشور بر کانال حساس سوئز که از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین گذرگاه‌های تبادل کالا و تجارت بین‌الملل است، تسلط دارد. روابط ایران و مصر، به گذشته‌های دور برمی‌گردد؛ و حتی اولین تماس‌ها بین دو کشور در دوره هخامنشیان بوده است. ما در این مقاله به بررسی سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی و تأثیر آن بر ایران می‌پردازیم. عوامل مؤثر و دخیل بر روابط سیاسی این دو کشور مهم منطقه‌ای ظرف چند سال اخیر که با تحولات زیادی در مصر همراه بوده؛ نشان می‌دهد که علاوه بر بازیگران و ساختارهای سیاسی داخل این دو کشور، عوامل مؤثر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در میزان و حدود روابط این دو کشور تأثیر گذار هستند.

سیاست خارجی کشورها معمولاً اولویت‌هایی دارد و کارگزاران در چارچوب اولویت‌های طراحی شده که بخشی از اسناد بالادستی نظام‌های سیاسی است؛ تعامل و روابط خارجی خود با سایر ملل را تنظیم می‌کنند. اما واقعیت امر در خاورمیانه نشان می‌دهد که عوامل مؤثری وجود دارد که گاهی تمام برنامه‌ها و اولویت‌بندی‌ها را به هم می‌ریزد و کشورها ناگزیر به ورود در ائتلاف‌هایی هستند که ممکن است منجر به اختلاف‌نظر میان بازیگران داخلی شود. مصری‌ها دقیقاً با چنین مسئله‌ای روبه‌رو هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی این کشور موقعیت حساس جغرافیایی می‌باشد. علی‌رغم بی‌ثباتی سیاسی در این کشور و تغییرات دائمی

در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، طی پنجاه سال اخیر، دولت‌های مصر سیاست خارجی خود را تحت تأثیر مسائل خارجی تدوین کرده‌اند و یا آزادی عمل برای اتخاذ رویکردی مستقل در سیاست خارجی نداشته‌اند. با ظهور اسرائیل، مصری‌ها تلاش کرده‌اند در تدوین سیاست خارجی ملاحظاتی جهت حفظ امنیت خود در نظر بگیرند که این مسئله بر روابط آن‌ها با ایران نیز تأثیر گذار بوده است.

در حالی که جنبش اخوان المسلمین در سال‌های منتهی به انقلاب مصر همراه با سایر گروه‌های ناراضی در بسیج توده‌ای مؤثر عمل کرد، این جنبش در عرصه سیاست، پس از به قدرت رسیدن به مراتب بی‌تجربه عمل کرد (Cleveland & Bunton, 2016). دلیل بی‌تجربه بودن سیاسی اخوان ریشه در این واقعیت دارد که ساختار دولت قبل از مرسی، فضای بسیار کمی برای تکثر سیاسی فراهم کرده بود؛ اما مرسی نیز در عمل نتوانست اهداف انقلابیون را دنبال کند و در عملی ساختن شعارهای خود در حین تبلیغات نیز ناکام ماند. پس از کودتای مصر در سال ۲۰۱۳ و سقوط دولت محمد مرسی و پس از آن، آغاز زمامداری عبدالفتاح سیسی روابط تهران- قاهره وارد دوران جدیدی شد. سیاست‌های سیسی برخلاف مرسی مبتنی بر تعامل سازنده با اسرائیل و تقابل با جریان‌های اسلام‌گرا بوده است. همین مسائل زمینه تقابل ایران و مصر را فراهم کرد. سیسی با سرکوب شدید اخوان المسلمین، نزدیکی به ریاض و ابوظبی، اتخاذ رویکردی تعاملی با اسرائیل و عدم حمایت از فلسطین عملاً وارد روند تقابلی با تهران شد. رویکرد تقابلی سیسی با ایران در ائتلاف‌های منطقه‌ای نیز ادامه یافت. مصر از جنگ عربستان سعودی علیه حوثی‌های یمن حمایت کرد، در تحریم قطر با ائتلاف به رهبری ریاض مشارکت کرد و در مجموعه سیاست‌های منطقه‌ای که از سوی محور عربی ضد ایرانی دنبال شد، حضوری فعالانه داشت. در مقابل مراکز متعدد تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران نحوه‌ی تعامل با دیگر ملل را پیچیده کرده است. ظهور مراکز مختلف تصمیم‌گیری، نه تنها سیاست خارجی ایران را ناکارآمد و داده‌های متعارضی را تولید می‌کند، بلکه با ارسال پیام‌های متعارض، دیگر بازیگران را نیز دچار سردرگمی و بلا تکلیفی می‌نماید. اظهار نظرهای متعارض مقامات ایرانی در مورد سیاست خارجی که خود ناشی از مراکز متعدد تصمیم‌گیری است، کشور را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرده است؛ این مشکلات را در مورد روابط ایران و مصر به خوبی می‌توان مشاهده کرد. اما تعارض در دوره سیسی فراتر از مسئله اسرائیل می‌باشد. مصر با ورود به ائتلاف‌های منطقه‌ای که ضد ایرانی هستند عملاً سیاست غیرتعاملی با ایران را دنبال می‌کند.

با نظر به این مقدمات، پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که «استراتژی سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی در منطقه چه الزاماتی را برای سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است؟» در پاسخ به این پرسش کلیدی، فرضیه پژوهش این است که «عبدالفتاح السیسی با اتخاذ راهبردی تهاجمی در قبال ایران و رابطه حسنه با اسرائیل و ورود به ائتلاف‌های ضد ایرانی در منطقه، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجهه کرده است.» در کلیت پژوهش حاضر، در ابتدای امر نگرش عبدالفتاح السیسی به حوزه سیاست خارجی و نوع نگاه او به جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته و سپس تهدیدات و ظرفیت‌های رویکرد سیاست خارجی سیسی برای ایران ارائه شده است. در نهایت نیز الزامات امنیتی ایران در مواجهه با مصر، تحت رهبری عبدالفتاح السیسی مورد تحلیل قرار گرفته است.

## ۱- چارچوب نظری

در پژوهش حاضر بنا به ضرورت موضوعی از چارچوب نظری تلفیقی «امنیت منطقه‌ای مکتب کپنهاگ»، «واقع‌گرایی تهاجمی» و «تصمیم‌گیری»، برای بررسی رویکرد سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته می‌شود. واقع‌گرایی تهاجمی یکی از چارچوب‌های نظری مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد، چون تغییر رویکرد عبدالفتاح السیسی در سیاست خارجی با تئوری رئالیسم تهاجمی همخوانی دارد. با توجه به محور مهم پژوهش یعنی نتیجه تغییر رویکرد عبدالفتاح السیسی در سیاست خارجی بر مسئله امنیت جمهوری اسلامی ایران، نظریه مجموعه منطقه‌ای مکتب کپنهاگ می‌تواند کارگشا باشد. تصمیم‌گیری معمولاً به‌عنوان یک فرآیند یا دنباله‌ای از فعالیت‌ها شامل مراحل شناسایی مسئله، جستجوی اطلاعات، تعریف گزینه‌ها و انتخاب بازیگر یکی از دو یا چند گزینه متناسب با ترجیحات رتبه‌بندی شده تعریف می‌شود. در نظریه تصمیم‌گیری بحث می‌شود که چگونه افراد منطقی باید در معرض خطر و عدم اطمینان رفتار کنند. این مجموعه از بدیهیات مربوط به نحوه رفتار افراد عاقل استفاده می‌کند که به‌طور گسترده در زمینه‌های تجربی و نظری به چالش کشیده شده است (Sent, 2005). نظر به تصمیم‌گیری، سطح تحلیل خرد است. زیرا در نگاه نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری، سطح تحلیل کلان و بین‌المللی نمی‌تواند در تبیین سیاست خارجی مؤثر واقع شود. به‌عکس دید کلان‌نگر، که به نظام بین‌الملل، ساختار

قدرت و در نهایت نقش الزامات آن در محدودسازی انتخاب‌های سیاست خارجی تأکید می‌کرد، نظریه تصمیم‌گیری دیدی خرد دارد. (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۲۶۳). در این نظریه بازیگران بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی دارند. در مصر که دولت عبدالفتاح السیسی دولت برآمده از کودتای نظامی است، شخصاً در روند پیشبرد سیاست خارجی مؤثر است. اظهارات و عملکرد سیسی نشان داده است که خود در تدوین سیاست خارجی نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. البته نقش سیاست خارجی دولت توسط تعدادی از عوامل تعیین می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها توانایی‌های قومی دولت و فرهنگ سیاسی آن، باورهای ملی و شکل سیستم سیاسی است. در چارچوب این عوامل تعیین‌کننده، خصوصیات شخصی، انگیزه‌های ذاتی و محیط روان‌شناختی رهبران سیاسی در تعیین نقشی که دولت بر عهده دارد، موقعیت مهمی را به خود اختصاص می‌دهد (Edris, 2002). رهبران سیاسی در کشورهای که نقش نهادها کم‌رنگ‌تر است، با توجه به شرایط داخلی و تحولات بین‌المللی تصمیم‌ساز اصلی در اتخاذ رویکردهای سیاست خارجی هستند.

«جان میرشایمر» بر این باور است که رهبران کشورها باید آن دسته از سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که دشمنان بالقوه‌ی آنان را تضعیف می‌کند و قدرت آن‌ها را نسبت به بقیه‌ی کشورها افزایش می‌دهد. (بیلسین و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۲۶). با توجه به این اصل اساسی مورد اشاره میرشایمر می‌توان پاره‌ای از سیاست‌های رئیس‌جمهور مصر در حوزه سیاست خارجی را تحلیل نمود. ایران به‌عنوان رقیب جدی منطقه‌ای مصر شناخته شده است لذا به نظر می‌رسد که، سیسی برای مقابله با عمق استراتژیک ایران راهبرد تهاجمی را در سیاست خارجی دنبال می‌کند. سیسی به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی در سیاست خارجی مصر رویکرد تقابلی محمد مرسی با اسرائیل را برای منافع مصر مناسب نمی‌بیند وی در سیاست‌های مرسی تجدیدنظر کرد به همین منظور روابط خود با اسرائیل را بهبود بخشید و با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در عادی‌سازی روابط با اسرائیل همراهی کرد.

در سطحی دیگر، مکتب کپنهاگ یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مسائل امنیتی تمرکز مطالعاتی دارد، این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای بر آن بیفزاید. «این نظریه برخلاف نظریه‌های سنتی لیبرالیسم و واقع‌گرایی دارای دیدگاهی تنگ‌نظرانه در باب امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی‌دهد و از سوی دیگر مانند نظریه‌های جدید (نظریه‌های انتقادی و پست‌مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و چالش

اندیشه‌های قدیمی نمی‌باشد» (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). نظریه امنیت منطقه‌ای مکتب کپنهاگ مقوله امنیت را نه صرفاً در گرو نظامی‌گری بلکه تحت تأثیر مقوله‌هایی همچون اقتصاد، مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی بررسی می‌کند. در این میان، تعریف بوزان از امنیت کاملاً روشن است «امنیت‌رهایی از تهدیدات است» (Buzan, 1991). در این راستا، بوزان امنیت را مفهومی «توسعه‌نیافته» دانسته و تلاش می‌کند تعریفی مفهوم‌سازی‌شده از امنیت را ارائه دهد (Walt, 1991). فروپاشی جهان دوقطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر نظام بین‌المللی، بوزان را بر آن داشت تا با بازنگری در دیدگاه پیشین خود، در ویرایش دوم کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱ نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» را به شکلی مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد (Walt, 1991). این نظریه در واقع چهارچوبی مفهومی است که دربرگیرنده ساختارهای جدید امنیت بین‌المللی یعنی مناطق است و شامل مدلی از امنیت منطقه‌ای می‌شود که بر اساس آن می‌توان امکان تحلیل، تبیین و تا حدی پیش‌بینی تحولات درون هر منطقه را ایجاد کرد (Šedivý, 2004). با توجه به پیچیده بودن مسئله امنیت در خاورمیانه و مداخله مسائل متعدد در بحث امنیت این منطقه حساس، نظریه امنیت منطقه‌ای می‌تواند در تحلیل و فهم امنیت خاورمیانه مؤثر باشد. در نگاه بوزان مجموعه امنیت منطقه‌ای به معنای وجود احساس تهدید یا ترس متقابل میان دو یا چند دولت مقتدر است (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۹). در منطقه راهبردی خاورمیانه همواره چند دولت مقتدر وجود داشته‌اند. ایران، عربستان سعودی، مصر از جمله کشورهای قدرتمند خاورمیانه هستند که یک مجموعه امنیتی را تشکیل داده‌اند. ساختار امنیتی در یک مجموعه امنیتی به‌گونه‌ای است که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت هر یک از واحدهای سیاسی، بر موقعیت سایر واحدها تأثیرگذار خواهد بود. این عنصر ویژگی کلیدی در نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای است (اقارب پرست، ۱۳۹۰: ۲۶۹). تنش و بی‌ثباتی در هر کدام از دولت‌های مهم منطقه خاورمیانه به‌مثابه یک مجموعه امنیتی ثبات سیاسی را در سایر کشورها دستخوش دگرگونی می‌کند. البته باید در نظر داشت کشورهای فرامنطقه‌ای نیز در مجموعه منطقه‌ای خاورمیانه تأثیرگذار هستند. به نظر باری بوزان یک منطقه‌ی امنیتی، «یک زیرسیستم (یا خرده نظام) مجزا و قابل توجهی از روابط امنیتی است که در میان مجموعه‌ای از کشورهایی که سرنوشت آن‌ها به سمت مجاورت جغرافیایی با یکدیگر پیوند خورده است، وجود دارد». امنیت منطقه‌ای علاوه بر مسائل منطقه‌ای تحت تأثیر سیاست قدرت‌های فرا



منطقه‌ای خواهد بود. قدرت‌های بزرگ معمولاً در رقابت با یکدیگر سیاست خارجی خود در یک منطقه اجرا می‌کنند. کشورهای منطقه‌ای در مقوله امنیت علاوه بر متغیرهای منطقه‌ای باید اهداف و سیاست قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای را نیز مدنظر قرار دهند.

با عنایت به آنچه در خصوص مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ در چارچوب «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای»، «نظریه واقع‌گرایی تهاجمی» و «نظریه تصمیم‌گیری»، گفته شد، به‌منظور کاربردی‌ترین نظریه بر موضوع نوشتار می‌توان چند نکته را استخراج نمود و از آن‌ها برای تحلیل موضوع بهره برد. نخست، موضوع امنیتی کردن یا امنیتی‌سازی مسائل است. بدین معنا که در چارچوب سیاست خارجی جدید در پیش‌گرفته شده از سوی قاهره به رهبری سیسی، منطقه خاورمیانه به یک بستر امنیتی تمام‌عیار تبدیل شده که بازیگران در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن ورود کرده‌اند. دوم، مساله دیگر در خصوص نظریه مجموعه‌های امنیتی و کاربردی آن بر موضوع نوشتار در چارچوب تحول در نظم امنیت منطقه‌ای قرار دارد. بدین معنا که مصر تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از مفهوم امنیتی کردن و منزوی کردن ایران، نظم امنیتی موجود را که با حضور قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، ترکیه، عربستان و قدرت‌های بین‌المللی همانند روسیه و ایالات متحده آمریکا شکل رقابت در برخی حوزه‌ها و وابستگی و روابط در حوزه‌های دیگر است، برهم‌زده و این نظم را به نفع خود تغییر دهد. سوم، عبدالفتاح سیسی به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر صحنه سیاست داخلی و خارجی مصر در پیشبرد اهداف راهبردهای سیاست خارجی تصمیم‌گیرنده اصلی می‌باشد و **چهارم** اینکه، در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی تغییر رویکرد سیاست خارجی مصر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

## ۲- اصول سیاست خارجی مصر

سیاست‌مداران مصری طی دوره‌های گذشته رویکردی متفاوت به سیاست خارجی داشته‌اند و این تغییر رویکرد در اتخاذ استراتژی‌های سیاست خارجی نیز اثرگذار بوده است. اتکای سیاست خارجی مصر به رئیس‌جمهور و عدم نهادگرایی منجر به تغییراتی در سیاست خارجی شده است. به دنبال آن، اولویت‌های هویتی نخبگان حاکم تغییر کرده است. در این کشور، هر رئیس‌جمهور جدیدی که از کودتای ۱۹۵۲ به بعد به قدرت رسیده است جهت سیاست خارجی را تغییر داده

است. این تغییرات ریشه در «عدم نهادگرایی در مصر و اتکای صرف سیاست خارجی به شخصیت رؤسای جمهور است» (Fakhri, 2013). نگاه متفاوت بازیگران سیاسی از یکسو و تغییر و تحولات سیاست بین‌المللی روسای جمهور مصر را که اغلب از طریق کودتا به قدرت می‌رسیدند و ادار به اتخاذ رویکردی متفاوت در سیاست خارجی می‌کرد. البته نفوذ قدرت‌های خارجی در منطقه و در بسیاری موارد با مداخله در امور منطقه‌ای، بر گزینه‌های پیش‌روی کشورهای منطقه تأثیر گذاشته و انتخاب‌های آنان را محدود نموده است (لیک، ۱۳۸۱: ۷۳۷). کشورهای فرامنطقه‌ای در تعیین رویکرد سیاست خارجی رهبران مصر به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه تأثیرگذار بوده‌اند. مصری‌ها از دوران جمال عبدالناصر تا امروز در تعیین اولویت‌های سیاست خارجی و ورود یا عدم ورود به ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استقلال عملی نداشته‌اند و همیشه با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند. این محدودیت‌ها حتی در دولت یک‌ساله محمد مرسی که برآمده از رأی مردم بود اثر خود را به‌جا گذاشت، چنانچه شعارها و اهداف رئیس‌جمهور مرسی با آنچه در عمل دنبال می‌کرد دارای تناقض آشکار بود که همین مسئله در بروز نارضایتی‌ها و سپس سقوط دولت مؤثر بود.

### ۳- رویکرد عبدالفتاح السیسی در حوزه سیاست خارجی

عبدالفتاح السیسی پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سیاست خارجی خود را مبتنی بر واقع‌گرایی تدوین و پیگیری نمود. سبسی در عمل به تعهدات بین‌المللی حسنی مبارک که تا پیش از انقلاب ۲۰۱۱ رئیس‌جمهور مصر بود؛ پایبند است. البته بررسی سیاست خارجی مصر از سال ۱۹۵۴ که عبدالناصر در این کشور به قدرت رسید تاکنون، گویای این مسئله است که دولت‌های مصر از سیاست خارجی برای حمایت از سیاست، امنیت داخلی و تقویت مشروعیت خود استفاده می‌کنند (Alterman, 2015). وضعیت آشفته مصر پس از مبارک که به کودتا علیه محمد مرسی نیز ختم شد سبسی را واداشت تا از تمام ظرفیت‌های موجود در سیاست خارجی برای بهبود اوضاع داخلی بهره‌گیرد، دکتترین جدید سیاست خارجی مصر به تدریج در سه جهت توسعه‌یافته است که عبارتند از (۱) جستجوی روابط متعادل با قدرت‌های بزرگ و بازیگران اصلی منطقه‌ای (۲) احترام به مفاهیم سنتی حاکمیت و عدم دخالت (۳) ادعای مجدد ملی‌گرایانه مصر برای آزادی عمل در منطقه (Hanna & Benaim, 2018). لذا سبسی برای سروسامان دادن به بحران‌های بی‌شمار داخلی

که این بار با سرکوب شدید جریان بسیار مهم اخوانی‌ها همراه شده بود؛ بایستی سیاست خارجی را دنبال کند که امنیت و ثبات سیاسی داخلی را تضمین کند. رابطه متعادل با ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین به عنوان قدرت‌های بزرگ، و حضور پررنگ در ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌توانست به اهداف سیاسی در تثبیت قدرت خود در داخل و ادامه سرکوب مخالفان کمک کند. سوسی چون با کودتای نظامی علیه دولت قانونی مرسى، سپس انتخاباتی غیر مشارکتی به قدرت رسید با مشکل مشروعیت داخلی نیز مواجه بود؛ لذا سیاست خارجی چندجانبه با تمامی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توانست در کسب مشروعیت در نظام بین‌الملل مؤثر باشد.

### ۳-۱. گذار به چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی

سیسی از همان اوایل با سیاست خارجی واقع‌گرایانه تلاش کرد روندی منطقی و به‌دوراز هرگونه تحمیل هزینه به منافع ملی را دنبال کند. سرنوشت مرسى و به قدرت رسیدن سیسی پس از قیام ژوئن ۲۰۱۳ در محافل دانشگاهی و سیاسی غرب به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان پایان دوره احسانات انقلابی پس از ۲۰۱۱ در سیاست مصر قلمداد می‌شود؛ طبق این دیدگاه، براندازی مرسى یک «کودتای نظامی» است که هم به انقلاب ۲۰۱۱ خاتمه داد و هم «دولت ریشه‌دار» مبارک را در سطح سیاست داخلی و خارجی ترمیم نمود. این منجر به بازگشت مصر به ترازهای سیاست خارجی دوران مبارک شد (G. M. J. B. J. o. M. E. S. Selim, 2020). سیسی به‌منظور تثبیت قدرت خود در وضعیت آشفته سیاست داخلی تلاش کرد که با نگاهی واقع‌گرایانه در سیاست خارجی ضمن حراست از منافع ملی از تحمیل هزینه‌های سیاسی به مصر جلوگیری کند. نگاه چندجانبه به سیاست خارجی فرصت‌های زیادی برای سیسی فراهم کرد تا شرایط بهبود نسبی وضعیت داخلی مصر را فراهم کند. در بین رهبران مصر، نقش ژنرال سیسی را می‌توان متفاوت‌تر از بقیه دید. رهبران پیش از وی با وجود برخی سیاست‌های جانبدارانه نسبت به اسرائیل، همواره خود را حامی فلسطین می‌دانستند. اما بنا به ملاحظات سیاسی بین‌المللی، نمی‌توانستند موضعی خصمانه علیه اسرائیل داشته باشند. اما با نگاهی به اقدامات دولت ژنرال سیسی در مصر در برابر موضوع فلسطین به‌خوبی می‌توان مواضع جانبدارانه و حتی خصمانه وی را مشاهده کرد. (فلاح پیشه و سوری، ۱۳۹۶: ۱۴۸). سیسی با ایجاد روابط حسنه با اسرائیل در واقع به غرب و به‌ویژه آمریکا به‌عنوان متحد اصلی اسرائیل اطمینان داد که به تعهدات خود نسبت به پیمان کمپ دوید پایبند است. گرایش مصر به غرب از

دوره انور سادات و پس از صلح با اسرائیل در سال ۱۹۷۹، باعث شد که مصر همواره دومین دریافت‌کننده کمک‌های آمریکا باشد و سالانه ۱,۳ میلیارد دلار کمک‌های نظامی - مالی در اختیار این کشور قرار گیرد (Sharp, 2009). سیسی برای اعلام علنی روابط با اسرائیل از جانب کشورهای عربی نیز مورد انتقاد قرار نگرفت و با توجه به تحولات منطقه‌ای چند کشور مهم منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی در تلاش برای عادی سازی روابط با اسرائیل هستند. لذا در سطح فرماندهی‌های، سیسی با در پیش گرفتن روندی واقع‌گرایانه رابطه خوب خود را با ایالات متحده آمریکا دنبال کرد. وی روابط مصر با روسیه، به‌عنوان یکی دیگر از قدرت‌های فرماندهی را ارتقا داد به‌طوری‌که مصر در سال ۲۰۱۴ قرارداد تسلیحاتی به ارزش ۳,۵ میلیارد دلار با روسیه منعقد کرد؛ که البته هزینه‌های آن را عربستان سعودی متحمل شد (Alterman, 2015). سیسی در سطح منطقه‌ای علاوه بر توسعه رابطه با اسرائیل با کشورهای مهم عربی حوزه خلیج فارس وارد ائتلاف و اتحاد بسیار مهمی شد.

### ۲-۳. ضدیت با محور اخوانی در سطح منطقه‌ای

با سقوط دولت محمد مرسی، عبدالفتاح سیسی سرکوب جنبش اخوان المسلمین را آغاز کرد. سرکوب شدید تنها به اعضای اصلی این جنبش ختم نشد بلکه طرفداران آن‌ها نیز مورد تعقیب و گریز قرار گرفتند و فعالیت آن‌ها ممنوع اعلام شد؛ و آن‌ها را گروهی تروریستی معرفی کرد. اما مخالفت با اخوانی‌ها علاوه بر مصر در سایر کشورها نیز دنبال شد. از آنجاکه این جنبش در سایر کشورهای مسلمان منطقه نفوذ دارد و فعالیت سیاسی و مذهبی آن‌ها محدود به کشوری خاص نیست سیسی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی خود را در مخالفت با این جنبش در سایر کشورها اعلام کرد. تنش سیاسی با ترکیه و قطر به دلیل حمایت از جنبش اخوانی‌ها و پناه دادن به اعضای مصری این جنبش در چارچوب ضدیت دولت سیسی با جنبش اخوانی‌ها در سطح منطقه‌ای قابل تحلیل است. مصر حتی به حملات نظامی محدود علیه اردوگاه‌های وابسته به دولت لیبی در داخل خاک این کشور، متوسل شده است. این یک تغییر مهم در سیاست خارجی مصر به سمت یک رویکرد جسورانه‌تر و قاطعانه‌تر بود که استفاده از قدرت نظامی را به‌عنوان ابزاری برای سیاست خارجی توجیه می‌کرد (G. M. J. B. J. o. M. E. S. Selim, 2020; G. M. J. J. o. C. I. Selim, 2019). این حملات به‌منظور نابودی دولت مستقر در لیبی طراحی شد

که مورد حمایت اخوان المسلمین می‌باشد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که در دوران محمد مرسی از نفوذ جنبش اخوانی در داخل خاک کشورهای خود هراس داشتند و از گفتمانی جدید در کشورداری با محوریت این جنبش نگران بودند؛ پس از کودتای سیسی، از دولت جدید حمایت کردند و در محدود کردن فعالیت جنبش اخوانی با سیسی همراه شدند. عربستان سعودی و امارات متحده عربی در سرکوب جنبش اخوانی نقشی محوری داشتند و این مسئله یکی از مهم‌ترین عوامل اتحاد این سه کشور در سطح منطقه می‌باشد. محمد بن زاید و محمد بن سلمان و عبدالفتاح سیسی از شاخص‌ترین رهبران عرب هستند که در ابتدا در محدود ساختن فعالیت جنبش اخوانی و سپس سرکوب شدید آن‌ها نقش ایفا کردند.

### ۳-۳. ضدیت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران

سیاست خارجی سیسی در منطقه حساس خاورمیانه در مقابل سیاست منطقه‌ای ایران قرار گرفته است. اگرچه وزیر امور خارجه دولت سیسی در بیانیه‌ای درباره اولویت‌های مصر در سیاست خارجی اعلام کرد؛ که آن‌ها ایران را یک دشمن نمی‌دانند اما اخوان المسلمین که نماینده اسلام سیاسی است را به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن خود می‌داند؛ اما در سال ۲۰۱۶ به دلیل اعدام شیخ نمر از رهبران مهم شیعیان در این کشور حملات به سفارتخانه و کنسولگری‌های عربستان سعودی در ایران به دلیل مواضع شدید عربستان سعودی علیه حجاج ایرانی، توسط دولت مصر به شدت محکوم شد. دولت سیسی حمایت قاطعانه خود را از عربستان سعودی و روابط ضعیف با ایران را به‌وضوح نشان داده است (Taflioglu, 2019). مصر با اتحاد و ائتلاف منطقه‌ای تلاش می‌کند ضمن کنترل جنبش اخوان المسلمین در سایر کشورها برای بازسازی اقتصادی مصر از کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس کمک بگیرد. سیسی در پیوند نزدیک با عربستان سعودی و امارات متحده عربی از سیاست‌های منطقه‌ای این کشورها حمایت می‌کند؛ در بحران یمن از سیاست‌های مداخله‌جویانه ریاض حمایت می‌کند. در عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند و در لبنان و فلسطین سیاست‌های عربستان سعودی یعنی ضدیت با گروه‌های مقاومت را دنبال می‌کند. تنها در منازعه سوریه و عراق سیاست سیسی برخلاف ریاض مبتنی بر عدم دخالت بیگانگان و حمایت از بشار اسد در سوریه و دولت مستقر در عراق می‌باشد. سیاست رسمی مصر در مورد منازعات سوریه و عراق یکی از مهم‌ترین اختلافات قاهره و ریاض است که در صورت تداوم آن،

می‌تواند نقطه شروع تعامل با ایران باشد. در تمامی منازعه‌های منطقه‌ای ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران خاورمیانه در مقابل ائتلاف عربی با محور عربستان سعودی قرار دارد. ایران با مخالفت شدید با ادامه حمله ائتلاف عربستان سعودی به یمن، مخالفت با عادی سازی روابط کشورهای مسلمان با اسرائیل و کم‌رنگ شدن مسئله فلسطین به‌عنوان مهم‌ترین چالش خاورمیانه در مقابل سیاست‌های ائتلاف عربی قرار گرفته است. ایران با حمایت از گروه‌های محور مقاومت در سوریه، لبنان، فلسطین، عراق و سایر کشورهای عربی تلاش می‌کند ضمن توسعه عمق استراتژیک خود سیاست‌های ائتلاف عربی و اسرائیل را خنثی کند؛ لذا سیسی علاوه بر اختلافات گذشته که از زمان انقلاب ۵۷ بین دو کشور وجود داشت؛ امروزه با ورود به ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای عملاً در مقابل ایران قرار گرفته است.

#### ۳-۴. اتحاد با عربستان سعودی و امارات متحده عربی

سیسی که در ایام کودتا از حمایت‌های همه‌جانبه عربستان سعودی و امارات متحده عربی برخوردار بود؛ پس از به قدرت رسیدن، ائتلاف با این کشورها را پیگیری کرد. علاوه بر اینکه سه میلیون مصری در کشورهای عربی خلیج فارس حضور دارند، نفت این کشورها از کانال سوئز حمل می‌شود و همچنین این کشورها از سرمایه گذاران خارجی اصلی در مصر محسوب می‌شوند (Aly, 2014). البته در بین کشورهای عربی خلیج فارس، قطر به دلیل حمایت از اخوان المسلمین به شدت مورد انتقاد سیسی و سایر کشورهای متحد مصر قرار گرفت. اتحاد با کشورهای عربی خلیج فارس برای ادامه حیات سیسی مهم است، لذا سیاست خارجی منطقه‌ای مصر امروز وارد ائتلاف‌های جدیدی شده است که تلاش می‌کنند از نفوذ سایر رقبای منطقه‌ای از جمله ایران جلوگیری کنند. عبدالفتاح السیسی ضمن اینکه امنیت خلیج فارس را بخش مهمی از امنیت مصر می‌داند، اعلام آمادگی کرد که سربازانش را برای دفاع از امنیت کشورهای عربی خلیج فارس اعزام کند (Darwisheh, 2015). هم‌زمان با برقراری روابط مصر و خلیج فارس در سطح قبل از ژانویه ۲۰۱۱، دو طرف تلاش کردند تا در زمینه‌های مختلف همکاری کنند. آن‌ها فعالیت‌های دیپلماتیک خود را در اتحادیه عرب و سایر مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای هماهنگ کردند و در برخورد با اخوان المسلمین، مقابله با بحران‌های لیبی، سوریه و عراق همکاری نمودند. تقویت روابط فعلی مهم‌ترین اولویت مصر خواهد بود و برای کشورهای حوزه خلیج فارس نیز به یک اولویت مهم تبدیل شده است (Aly, 2014). علی‌رغم همکاری‌های

چندجانبه بین این سه کشور اختلافاتی وجود دارد که در آینده می‌تواند به‌صورت جدی زمینه‌های شکل‌گیری آرایش جدید در سیاست خارجی منطقه را فراهم کند. اخیراً دولت سبسی تلاش می‌کند ضمن حمایت از دولت‌های مستقر در کشورهای درگیر بحران داخلی مانند سوریه و عراق سیاست مستقلی در پیش بگیرد که این مسئله در مقابل سیاست مداخله‌جویانه عربستان سعودی قرار خواهد گرفت.

#### ۴- تهدیدات و ظرفیت‌های رویکرد سیاست خارجی عبدالفتاح

##### السیسی برای ایران

ایران و مصر، دو کشور مهم منطقه خاورمیانه هستند که دارای منافع مشترک و در برخی مسائل نیز منافع متضادی دارند. روابط این دو کشور مهم مسلمان همواره تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای بوده است. به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی و اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه در سیاست خارجی از سوی ایشان، تهدیدات و ظرفیت‌هایی برای ایران به دنبال دارد. گرچه سیاست خارجی پایدار نیست و با توجه به تحولات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای امکان تغییر در آرایش ائتلاف‌ها وجود دارد اما با توجه به شرایط فعلی اتخاذ رویکرد سبسی در قبال ایران حالت تهاجمی به خود گرفته است و می‌تواند علاوه بر به خطر افتادن مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه منافع ایران را در منطقه تهدید کند.

##### ۴-۱. تهدیدات رویکرد سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی برای ایران

عبدالفتاح السیسی پس از به قدرت رسیدن، منافع ملی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد. در چارچوب واقع‌گرایی، دوستی و دشمنی واقعی در سیاست وجود ندارد و منافع ملی تعیین‌کننده سطح روابط بین کشورها است؛ مثلاً حمایت از گروه‌های مقاومت در فلسطین و دشمنی با اسرائیل با تصمیم و تشخیص سبسی به نفع منافع مصر نبود لذا به تعهدات مصر در قبال اسرائیل عمل کرد و روابط خود را با این کشور تقویت نمود؛ این رویکرد مصر برخلاف رویکرد ایران در سیاست خارجی است. در اهداف و اصول سیاست خارجی ایران تأکید بر آرمان‌گرایی است، اما در اصول سیاست خارجی مصر بر منافع ملی تأکید می‌شود. مصر از سال ۱۹۷۹ به بعد بیشتر به خود توجه داشته و شعارها و هدف‌های مصری را جایگزین آرمان‌های فلسطینی و عربی کرده است (درویشی‌سه‌تالانی و مظفری، ۱۳۹۷: ۱۱). رویکرد سیاست خارجی سبسی در چند مسئله مهم مانند: (۱) نزدیکی مصر به عربستان

سعودی؛ ۲) نزدیکی مصر به امارات متحده عربی؛ ۳) گسترش نفوذ منطقه‌ای اسرائیل؛ تهدیدهایی را برای ایران در منطقه به وجود آورده است.

#### ۱-۴-۱. نزدیکی مصر به عربستان

عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین حامیان به قدرت رسیدن سبسی در مصر بود. عربستان سعودی یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه است که با توجه به جایگاه و موقعیتی که در جهان اسلام دارد می‌تواند در تحولات منطقه اثرگذار باشد. محمد بن سلمان ولیعهد قدرتمند سعودی همراه با محمد بن زاید در امارات متحده عربی از مهم‌ترین رهبران عربی طرفدار سیاست خارجی سبسی هستند. ریاض و ابوظبی نگران دومینوی انقلاب‌های عربی و روی کار آمدن اخوانی‌ها در دیگر کشورهای اسلامی بودند. عربستان برای ضربه زدن به اخوان و محمد مرسی از ابزارهایی بهره گرفت: یکی از ابزارها سرمایه‌گذاران اقتصادی و کارگران مصری مقیم عربستان بودند که با تزریق پول و تشویق معترضان نقش مهمی را در سقوط مرسی ایفا نمودند (اطاعت و کریمی، ۱۴۰۰: ۱۷۲). روابط ریاض و قاهره پس از به قدرت رسیدن سبسی تقویت شد. نزدیکی سبسی به عربستان سعودی و همراهی با سیاست‌های ضد ایرانی بن سلمان در منطقه می‌تواند منافع ایران را تهدید کند. سیاست‌های سبسی در مورد نادیده گرفتن مسئله فلسطین، تلاش برای میانجی‌گری بین اعراب و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط و همراهی با ائتلاف سعودی علیه ایران می‌تواند ضمن تهدید منافع منطقه‌ای ایران کلیت امنیت منطقه‌ای را به خطر بی‌اندازد. شکل‌گیری ائتلافی جدید در منطقه با حضور کشورهای عربی مهمی مانند مصر و عربستان سعودی در کنار اسرائیل نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود می‌کند و به تحریک سایر کشورها علیه منافع ایران منجر خواهد شد. تبلیغات محور عربی و اسرائیلی علیه سیاست‌های منطقه‌ای ایران با حرکتی از سوی گروه‌هایی در عراق و سوریه همراه بود که گسترش ائتلاف‌سازی محور ضد ایرانی می‌تواند دامنه اعتراضات گروه‌های همسو و فرقه‌های نزدیک به محور ضد ایرانی در منطقه را تقویت کند.

#### ۲-۱-۴. نزدیکی به امارات متحده عربی

امارات متحده عربی امروزه یکی از اقتصادهای پایدار منطقه محسوب می‌شود. در این دوره جدید، این کشور تبدیل به یک بازیگر منطقه‌ای شد که موفق شده است بالاتر از وزن ژئوپلیتیک خود نقش بازی کند. این کشور برای ارتقا منافع خود و تغییر



شکل نظم منطقه‌ای، در صحنه بین‌المللی فعالیت نظامی می‌کند (Shahrou, 2020). لذا اتحاد و ائتلاف با ابوظبی برای کشورهای منطقه‌ای امری ضروری است و به تبع قطع رابطه با این کشور تهدیدهایی را به دنبال خواهد داشت. از دید دولت‌های مصر، سیاست خارجی ابزار مهمی برای به دست آوردن منابع اقتصادی خارجی است (Meringolo, 2015). بنابراین اصل مهم تقویت رابطه با امارات متحده عربی برای مصر امری ضروری است. محمد بن زاید ولیعهد پرنفوذ ابوظبی، برای تحقق نقش جدید این کشور در منطقه رویکرد مداخله‌جویانه‌ای در منطقه در پیش گرفته است. بن زاید یکی از متحدین استراتژیک سیسی است که با کمک مالی و مشارکت در سرکوب جنبش اخوانی به تثبیت قدرت سیسی کمک کرد. استراتژی سیاست خارجی بن زاید با رهبران پیشین این کشور متفاوت بود و با توجه به ساخت سیاسی غیر دموکراتیک و عدم شکل‌گیری نهادهای معمول در نظام‌های دموکراتیک امروزه بن زاید تصمیم‌گیرنده بلامانع ابوظبی در اتخاذ رویکرد سیاست خارجی می‌باشد. در حالی که رهبران نسل اول و قدیمی‌تر امارات، روش مشاوره‌ای سنجیده و آگاهانه‌تری در فرآیند تصمیم‌گیری داشتند، رهبران نسل جوان و فعلی بی‌قرارترند و سیاست‌های تهاجمی‌تری را دنبال می‌کنند (Kamrava, 2018). سیاست تهاجمی بن زاید مورد حمایت بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی و سیسی رئیس‌جمهور مصر می‌باشد. که این مسئله ضمن محدود ساختن گستره نفوذ ایران، منافع اقتصادی را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد. تقویت روابط سیسی - بن زاید می‌تواند منافع ایران را از منظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی مورد تهدید قرار دهد. امارت متحده عربی یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری و اقتصادی ایران می‌باشد که جدی‌تر شدن ائتلاف ضد ایرانی ممکن است روابط اقتصادی دو کشور را قطع کند. از نظر سیاسی نیز پیوستن یا همراهی کشور مهم مصر به سیاست‌های مقابله‌جویانه ابوظبی با ایران نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود خواهد کرد. در مجموع سیاست‌های ضد ایرانی کشورهای منطقه خلیج فارس با پیوستن مصر می‌تواند بیش از گذشته منافع ایران را تهدید کند.

### ۳-۱-۴. گسترش نفوذ منطقه‌ای اسرائیل

یکی از مهم‌ترین راهبردهای سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی ۵۷ مخالفت با اسرائیل و حمایت از گروه‌های مقاومت در فلسطین و منطقه بوده است. سیاست‌های ضد اسرائیلی به‌عنوان اصلی اساسی و خدشه‌ناپذیر بین اکثریت بازیگران

حاضر در صحنه سیاست ایران مطرح است. توافقنامه کمپ دیوید مبتنی بر صلح مصر با اسرائیل از اصلی‌ترین عوامل قطع روابط دیپلماتیک دو کشور ایران و مصر پس از انقلاب ۵۷ بود؛ اما در مورد اسرائیل، سیسی از توافقنامه کمپ دیوید حمایت کرده است و به دنبال همکاری‌های سیاسی و امنیتی نزدیک‌تر با اسرائیل در جنگ علیه اسلام‌گرایی رادیکال در صحرای سینا و فراتر از آن است. در سپتامبر ۲۰۱۵، مصر پس از چهار سال سفارت اسرائیل را در قاهره بازگشایی کرد. اسرائیل به جنگنده‌های مصری اجازه داد تا با استفاده از حریم هوایی اسرائیل به تعقیب شبه‌نظامیان داعش بپردازند. سیسی غالباً مواضع ضد حماس اتخاذ کرده است چون آن را شاخه‌ای از اخوان المسلمین دانسته و آن‌ها را به‌عنوان تهدید منطقه‌ای پان‌اسلامی می‌شناسد. در این زمینه، سیسی یک عملیات نظامی هماهنگ را برای از بین بردن تونل‌های زیرزمینی از سینا به غزه آغاز کرد (G. M. J. B. J. o. M. E. S. Selim, 2020). علاوه بر همه این مسائل سیسی به‌عنوان میانجی‌گر در عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی تحت عنوان «صلح ابراهیمی» نقش ایفا می‌کند. تقویت و گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه خاورمیانه می‌تواند از نظر امنیتی و سیاسی تهدیدی جدی برای ایران باشد. نهادهای جاسوسی اسرائیل طی سال‌های اخیر خراب‌کاری‌های زیادی چه در سطح منطقه و چه در داخل خاک ایران انجام داده‌اند. گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه می‌تواند ضمن برهم ریختن موازنه قوا منافع استراتژیک منطقه‌ای ایران را تضعیف کند. تحریک گروه‌های ضد ایرانی در سطح منطقه‌ای و دامن زدن به فرقه‌گرایی از مسائل دیگری است که با تقویت و گستره نفوذ موساد در منطقه دور از انتظار نیست.

## ۲-۴. ظرفیت‌های رویکرد سیاست خارجی عبدالفتاح السیسی برای

### ایران

سیاست خارجی سیسی و ادامه رابطه خصمانه با ایران می‌تواند محدودیت‌هایی در منطقه ایجاد کند؛ اما با توجه به نفوذ منطقه‌ای ایران و تقویت محور مقاومت طی چند سال اخیر و رقابت‌هایی که در درون ائتلاف اعراب علیه ایران وجود دارد فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی را برای ایران ایجاد کرده است؛ که در صورت مدیریت صحیح از سوی بنیان سیاست خارجی می‌تواند ضمن خنثی‌سازی بسیاری از تهدیدها منافع کشور را تأمین کند. تقویت و گسترش سطح روابط فعلی ایران با کشورهای دوست و گروه‌های همسو در منطقه تأثیر زیادی بر خنثی‌سازی هجمه‌های گسترده ائتلاف ضد

ایرانی خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به اختلافات سیاسی در مسائلی مانند بحران سوریه و عراق با عربستان سعودی و حمایت از دولت‌های مستقر در این کشورها، ایران می‌تواند از این فرصت‌ها برای آغاز گفتگوی سازنده استفاده کند. سیاست خارجی سیاسی ظرفیت‌هایی را برای ایران فراهم کرده است: ۱) تقویت روابط ایران و ترکیه؛ ۲) نزدیکی ایران و لیبی؛ ۳) نزدیکی قطر به ایران؛ ۴) تقویت نفوذ ایران در گروه‌های ضد اسرائیلی، ظرفیت‌هایی هستند که سیاست خارجی سیاسی برای ایران فراهم کرده است.

#### ۱-۲-۴. تقویت روابط ایران و ترکیه

ایران و ترکیه دو کشور مهم منطقه هستند علی‌رغم اختلافاتی که بین دو کشور وجود دارد در مهم‌ترین مسائل منطقه‌ای مواضعی نزدیک داشته‌اند. مواضع سیاست خارجی ترکیه در بیشتر منازعات منطقه‌ای به ایران نزدیک است. از سویی دیگر ترکیه نگران سیاست خارجی مداخله‌جویانه‌ی کشورهای نوظهور حاشیه خلیج فارس است. اما مهم‌ترین اختلاف بین ترکیه و مصر که می‌تواند فرصتی مناسب برای تهران-آنکارا برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای باشد، مسئله اخوان المسلمین است. ترکیه به دنبال ایده «نئوعثمانی‌گری» است، بنابراین در صدد بهره‌برداری سیاسی و ایدئولوژیک از قدرت گرفتن اخوان در مصر بود. اعتقادات مشترک نخبگان حزب عدالت و توسعه ترکیه و اکثریت نخبگان گروه اخوان مصر در ارتباط با ارائه یک اسلام دمکراتیک و میانه‌رو و همچنین نفی رادیکالیسم از جمله مواردی بودند که این دو جریان سیاسی و مذهبی را به هم پیوند داد (اطاعت و کریمی، ۱۴۰۰: ۱۷۳). اما ترکیه از این گروه در چارچوب توسعه سیاست‌های منطقه‌ای خود حمایت می‌کند. پس از کودتا علیه مرسى و سقوط دولت اخوانی در مصر، ترکیه تبدیل به پناهگاه اصلی اعضای این گروه شد. ترکیه به‌عنوان یکی از حامیان اصلی مرسى رابطه‌ای خصمانه با سیاسی دارد. حمایت آنکارا از دولت مستقر در لیبی و حمایت سیاسی از خلیفه حفتر به‌عنوان رهبر مخالفان دولت مستقر روابط دو کشور را خصمانه‌تر کرد. گسترش روابط ایران و ترکیه و نزدیک‌تر شدن مواضع دو طرف در مسائل منطقه‌ای می‌تواند در ناکامی سیاست‌های ائتلاف مصر با کشورهای عربی نقش مهمی ایفا کند.

## ۲-۴. نزدیکی ایران و لیبی

اختلاف با دولت مستقر در لیبی یکی از چالش‌های پیش‌روی سیاست خارجی سبسی است. مصر در کنار عربستان سعودی و امارات متحده عربی از مخالفان دولت لیبی به رهبری خلیفه حفتر حمایت می‌کنند. سبسی صراحتاً اعلام نمود برای از بین بردن گروه‌های تروریستی اخوانی در لیبی و پاک‌سازی منطقه از این گروه به مبارزه علیه آن‌ها ادامه می‌دهد. دولت لیبی مورد حمایت سازمان ملل و کشورهای مهمی در منطقه مانند ترکیه و بازیگران تعیین‌کننده و مهم فرامنطقه‌ای یعنی ایالات متحده آمریکا می‌باشد. ایران با نزدیکی به لیبی و حمایت از این کشور، ضمن کسب اعتبار بین‌المللی می‌تواند نفوذ منطقه‌ای خود را تقویت کند. حتی وقتی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی تمایلی به مداخله مستقیم در درگیری‌های منطقه‌ای ندارند، ایران خود را به‌عنوان «ژاندارم» منطقه نشان می‌دهد. پس از امضای توافق هسته‌ای، گستره نفوذ ایران با تلاش‌های مستقیم یا غیرمستقیم در کشورهای از جمله سوریه، عراق، لبنان، یمن و البته بحرین افزایش یافت (Hassan, 2018). تنش سیاسی مصر با دولت لیبی و حمایت کشورهای عربی مخالف ایران از سیاست مصر در قبال لیبی می‌تواند فرصتی برای ایران فراهم آورد تا به ائتلافی ناخواسته در حمایت از دولت لیبی ورود کند که با حضور ترکیه و نهادهای بین‌المللی و سایر کشورهای غربی در ایجاد موازنه قوای منطقه‌ای تأثیر گذار خواهد بود.

## ۳-۲-۴. نزدیکی قطر به ایران

قطر یکی از کشورهای مهم منطقه است که اختلافات زیادی با ائتلاف ضد ایرانی دارد. قطر در کنار ترکیه از حامیان مهم محمد مرسی بود که پس از سقوط دولت مرسی همراه ترکیه پناهگاه اعضای جنبش اخوان المسلمین شد. سبسی همواره از سیاست‌های دوحه در این زمینه انتقاد کرده است. زمانی که در سال ۲۰۱۷ کشورهای عربی با محوریت عربستان سعودی، قطر را تحریم کردند، ایران سطح روابط خود با این کشور را ارتقا داد و به‌خوبی از فرصت پیش‌آمده استفاده کرد و به ناوگان هوایی این کشور اجازه تردد داد و با کمک‌های دارویی و غذایی از دوحه حمایت کرد. دلیل تحریم کشورهای عربی، حمایت امیر قطر از سیاست‌های منطقه‌ای ایران در قبال فلسطین اعلام شد اما به نظر می‌رسد سطح اختلافات عمیق‌تر بوده است. مصر یکی از کشورهای عربی بود که پس از اعلام تحریم ریاض به ائتلاف ضد این کشور پیوست. گرچه روابط با قطر از طریق فشار مستقیم ایالات متحده از سر

گرفته شد اما اختلاف بین این کشور با محور ائتلاف عمیق است. با ادامه حمایت خود از جنبش اخوانی رابطه قطر و مصر عادی نخواهد شد. توسعه و گسترش روابط تهران-دوحه در شکست ائتلاف ضد ایرانی مؤثر است و ایران باید تلاش کند برای ناکام گذاشتن سیاست‌های تهاجمی سیسی علاوه بر منافع منطقه‌ای سطح روابط را با قطر بیش از سطح فعلی ارتقا دهد. قطر به‌عنوان یکی از کشورهای دوست ایران، در منطقه از پتانسیل بالایی در حوزه‌های اقتصادی و تجاری برخوردار است و در خلیج فارس پروژه‌های مشترکی بین دو کشور وجود دارد که در صورت ارتقای این روابط در حوزه سیاسی و امنیتی می‌تواند در تقابل ائتلاف ضد ایرانی نقش مهمی ایفا کند.

## ۵. الزامات امنیتی ایران در مواجهه با رویکرد سیاست خارجی

### السیسی

رویکرد سیاست خارجی مصر با رهبری سیسی واقع‌گرایانه است. با توجه به وضعیت سیاسی شکننده سیسی پس از کودتای نظامی در مصر ایجاد ثبات سیاسی در خارج از مرزها در اولویت بود. ایشان در برخی از مسائل منطقه‌ای مانند اسرائیل، سیاست آشتی‌جویانه را دنبال کرد اما در قبال گروه‌های مقاومت و کشورهایمانند ایران، قطر و ترکیه هر کدام به دلایل خاص خود، رابطه‌ای پرتنش و خصمانه را دنبال می‌کند که بیش از واقع‌گرایی کلاسیک به‌واقع‌گرایی تهاجمی نزدیک است. البته اتخاذ رویکرد تهاجمی سیسی پایدار نبود و در برخی از مواضع اولیه فاصله گرفت. محیط منطقه‌ای ژئواستراتژیک مصر در پی قیام‌های کشورهای عربی بعد از سال ۲۰۱۱ به‌طور قابل‌توجهی ناامن شده است. این قیام‌ها منجر به تکه‌تکه شدن دولت‌های این کشورها و شیوع خشونت گسترده در بسیاری از کشورهای عربی شد، آن‌ها را به مکان‌های مناسب برای استخدام گروه‌های مبارز جهادی تبدیل کرد. این مسأله به‌ویژه در مورد لیبی، سوریه و عراق که در آن ضعف و شکست دولت، خلاءهای امنیتی ایجاد کرده است، ورود و گسترش گروه‌های مبارز رادیکال را امکان‌پذیر می‌کند (Salem, 2018: 12-14). ترس از سرایت بحران‌های منطقه‌ای سیسی را وادار کرد تا در قبال برخی از مسائل منطقه‌ای سیاست‌های محافظه‌کارانه‌تری دنبال کند. مصر به یک مدافع اصلی دفاع از حاکمیت دولت و ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه تبدیل شده است و در نتیجه تلاش کرد که برنامه فرقه‌ای را که

سیاست خاورمیانه از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تحت تسلط خود داشت، کنار بگذارد (Hanna & Benaim, 2018). این مسئله نشان می‌دهد سیسی در سیاست خارجی ملاحظات داخلی را در نظر می‌گیرد و مانند بن سلمان بی‌ملاحظه و بدون توجه به او ضاع داخلی رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی را دنبال نمی‌کند. ایران و مصر به‌عنوان دو کشور مهم و مسلمان منطقه در صورت گفتگو و کاهش موارد اختلاف می‌توانند به ایجاد امنیت در منطقه و پیشرفت و توسعه هم‌دیگر کمک کنند. کشورهای مهمی مانند ایران و مصر در خاورمیانه به‌مثابه‌ی یک مجموعه‌ای امنیتی برای ایجاد امنیت و جلوگیری از سرایت ناامنی‌ها به کلیت مجموعه، نیازمند گفتگوی سازنده و تقویت روابط فی‌مابین هستند؛ علاوه بر این، هویت مشترک، شباهت‌ها و تفاوت‌ها، نیازهای اقتصادی و پیوندهای قومی و فرهنگی از جمله متغیرهای مجموعه امنیتی هستند. ایجاد امنیت منطقه‌ای مستلزم ساختاری مشارکت‌جویانه است که بر پایه اعتماد‌سازی باشد. (اختیاری امیری، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

ادامه روابط خصمانه بین این دو کشور مهم در منطقه باعث دامن زدن به بی‌ثباتی‌ها، گسترش گروه‌های افراطی، حضور گسترده‌تر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تعویق توسعه‌یافتگی و نفوذ بیشتر اسرائیل در منطقه خواهد شد. دو کشور زمینه‌های زیادی برای آغاز گفتگو و کاهش روابط پرتنش دارند. به نظر می‌رسد بهترین مکان‌ها برای توسعه همکاری‌های ایران و مصر، فعالیت‌ها و جلسات سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، G8، G15 و سازمان همکاری اسلامی است. این سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای زمینه خوبی برای تأثیرگذاری بر جهان و افکار عمومی منطقه‌ای فراهم می‌کنند. اسرائیل با در اختیار داشتن تعداد زیادی سلاح هسته‌ای می‌تواند دلیل دیگری برای همکاری دیپلماتیک مصر با ایران باشد (Tafloğlu, 2019). عادی‌سازی روابط مصر با اسرائیل مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ادامه تنش قاهره-تهران است اما زمینه‌های گفتگو زیاد است و دو طرف می‌توانند بر این زمینه‌ها تأکید کنند. سیاست منطقه‌ای ایران دو ویژگی منحصربه‌فرد دارد. نخست این‌که از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، به‌طور کلی سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای ایران، بیش از آنکه با عناصر ایدئولوژیک هدایت گردد، منافع ملی پراگماتیک و رویکرد عملگرایانه را پیش روی خودش قرار داده است (جعفری، ۱۳۹۹: ۲۵۴). لذا با توجه به واقعیت‌های موجود در خاورمیانه، کشورها امکان دارد از برخی مواضع گذشته خود فاصله بگیرند و با توجه به وضع موجود تصمیم بگیرند.

با وجود زمینه‌های همکاری بین ایران و مصر در شرایط فعلی سیاسی رویکردی تهاجمی نسبت به ایران را دنبال می‌کند. اتخاذ سیاست‌های ضد منافع ایران توسط مصر به رهبری سیسی کلیت امنیت منطقه‌ای خاورمیانه را به خطر می‌اندازد. این رویکرد الزامات امنیتی را برای ایران به وجود می‌آورد. تهران برای ناکام گذاشتن سیاست‌های ضد منافع خود که توسط مصر و ائتلاف عربی دنبال می‌شود باید در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای سیاست‌هایی را اعمال کند.

تقویت روابط ایران با کشورهای همسور در سطح منطقه به گستره عمق استراتژیک ایران کمک می‌کند و دایره نفوذ رقبایی مانند مصر را محدود می‌سازد. حضور فعالانه ایران در حل بحران‌های منطقه‌ای مانند مبارزه با داعش، حمایت از دولت‌های مستقر در منطقه و کمک به بازسازی و ایجاد ثبات پایدار در آن کشور، عدم حمایت از گروه‌ها و فرقه‌های نوظهور که ثبات و امنیت نظام‌های سیاسی منطقه را به خطر انداخته‌اند؛ گسترش سطح همکاری‌های اقتصادی و تجاری با کشورهای همسایه از جمله مواردی است که می‌تواند در حفظ و جایگاه منطقه‌ای ایران مؤثر باشد.

در سطح فرامنطقه‌ای ایجاد روابط دیپلماتیک با همه قدرت‌های جهان به منظور حفظ منافع ملی و مشارکت فعالانه در حل بحران‌های بین‌المللی در خنثی‌سازی توطئه‌های منطقه‌ای مؤثر خواهد بود. طی سال‌های اخیر همکاری ایران با روسیه در برخی از مسائل و منازعات منطقه‌ای در تقویت جایگاه ایران و ناکامی فشارها علیه منافع ملی مؤثر بود. گسترش روابط با سایر قدرت‌ها با حفظ اقتدار ملی می‌تواند بیش از شرایط فعلی جایگاه ایران را مستحکم کند. قرارداد همکاری‌های تجاری و اقتصادی که اخیراً بین ایران و چین امضا شد در راستای تقویت جایگاه ایران مهم است. چراکه امروزه رقبای منطقه‌ای ایران تلاش می‌کنند از روابط خارجی یکجانبه با قدرت‌های جهان خارج‌شده و با سایر قدرت‌های بزرگ نیز وارد روابط تجاری و اقتصادی شوند.

سیاست خارجی سیسی در گسترش روابط با اسرائیل و تلاش برای پیوستن کشورهای عربی منطقه به طرح «صلح ابراهیمی» که مبتنی بر عادی‌سازی روابط و صلح اعراب با اسرائیل است، می‌تواند امنیت ملی ایران را با خطر مواجه کند. با توجه به اختلافات ایران و اسرائیل نزدیکی این کشور به مرزهای زمینی و آبی ایران شرایط را برای تسلط اطلاعاتی موساد فراهم می‌کند و نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز محدود خواهد کرد. این مسئله مهم فقط از طریق عادی‌سازی روابط ایران با کشورهای عربی

خلیج فارس امکان پذیر است. کاستن سطح مشکلات و گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه می‌تواند شرایط را برای صلح پایدار در منطقه فراهم کند.

البته سیاست خارجی امری دائمی نیست و با توجه به تحولات منطقه‌ای ممکن است تغییراتی در رویکردهای سیاست خارجی کشورها ایجاد شود؛ این تغییرات در مصر با توجه به تأثیر بالای تصمیم‌گیری‌های فردی سریع‌تر نمایان می‌شود. ایران باید ضمن پیگیری الزامات امنیتی برای مقابله با سیاست‌های فعلی سبسی، از تغییراتی همسو با سیاست خارجی و تأمین‌کننده منافع ملی استقبال کند. با توجه به وابستگی نزدیک دولت‌های سوریه و عراق به ایران، مصر با سیاست خارجی حمایتی خود در قبال سوریه و عراق، زمینه را برای بهبود روابط با ایران فراهم کرد (Kamal, 2018). این مسئله یکی از تغییراتی بود که ایران می‌تواند برای ایجاد گفتگوی سازنده با مصر از آن استفاده کند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان است که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای بوده است. پس از جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا پرنفوذترین کشور فرامنطقه‌ای، در خاورمیانه بود؛ اما ظرف یک دهه گذشته قدرت‌های دیگری مانند روسیه و چین به حضور فعال در این منطقه مهم علاقه‌مند شدند؛ علاوه بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، قدرت‌های منطقه‌ای نیز به صورت جدی بر سر گسترش نفوذ با هم‌دیگر رقابت می‌کنند. ایران و مصر به‌عنوان دو کشور مهم و دو قدرت تأثیرگذار خاورمیانه هر کدام بر طیفی از کشورها و جریان‌های سیاسی و مذهبی در منطقه تأثیرگذار هستند. این دو کشور مهم از گذشته روابط پرفرازونشیبی باهم داشته‌اند. البته با توجه به حساسیت‌های منطقه‌ای سیاست خارجی دو کشور در قبال همدیگر همواره تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای بوده است. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و قطع رابطه ایران با اسرائیل، روابط تهران-قاهره نیز تحت تأثیر قطع روابط ایران با اسرائیل به سردی گرایید. توافقی‌نامه معروف به کمپ دیوید که مبنی بر به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی مصر عامل اصلی قطع رابطه بین دو کشور بود. در دولت محمد مرسی تلاش‌های برای عادی سازی روابط آغاز شد؛ اما با کودتا علیه ایشان و سپس برگزاری انتخابات و به قدرت رسیدن سبسی این تلاش‌ها ناکام ماند. دولت سبسی رویکرد سیاست خارجی خود را در قبال ایران به صورت تهاجمی دنبال کرد و ضمن ورود به ائتلاف‌های ضد



ایرانی در منطقه سطح روابط با اسرائیل را ارتقا داد و علیه گروه‌های مقاومت موضع گرفت؛ مجموعه این اقدامات باعث شد که افق‌های پیش‌روی عادی سازی روابط بین ایران و مصر از بین رفته و ایران نیز برای مقابله با این سیاست‌ها ملزم به اقدامات پیشگیرانه شود.

سیاست‌های خارجی سیسی در منطقه می‌تواند امنیت ملی ایران را تهدید کند. توسعه رابطه مصر با اسرائیل ضمن جسورتر کردن این کشور برای دخالت و خرابکاری‌ها در منطقه، احقاق حقوق فلسطینیان را نیز تهدید می‌کند. علاوه بر این ادامه تنش بین دو کشور ائتلاف عربی ضد ایران در سطح منطقه را تقویت می‌کند، مصر به‌عنوان یکی از کشورهای مهم عربی همواره تأثیر غیرقابل‌انکاری در شکل‌گیری و تداوم ائتلاف‌های منطقه‌ای ایفا کرده است. بنابراین حضور این کشور در ائتلاف ضد ایرانی کشورهای عربی منطقه می‌تواند در امنیت منطقه‌ای ایران به‌عنوان عاملی تهدیدکننده مورد توجه قرار گیرد. ایران برای مقابله با تهدیدهای احتمالی سیاست خارجی تهاجمی سیسی الزاماتی در سیاست خارجی دارد. ایران باید ضمن گسترش رابطه با کشورهای دوست و تلاش برای عادی‌سازی با سایر بازیگران منطقه‌ای سیاست‌های خصمانه سیسی علیه منافع ملی را ناکام بگذارد. ضمناً نباید امکان تعامل و ایجاد گفتگوی سازنده را نادیده گرفت. دو کشور مهم ایران و مصر زمینه‌ها و فرصت‌های زیادی برای همکاری و تعامل دارند که در صورت ایجاد گفتگو و تأکید بر سر منافع مشترک و علایق فی‌مابین امکان سازش دور از انتظار نخواهد بود. برای رسیدن به رابطه حسنه بین دو کشور ابتدا باید تلاش شود ضمن ایجاد کانال‌های گفتگو، دو کشور از مواضع فعلی نسبت به هم‌دیگر کوتاه بیایند. ادامه روابط پرتنش بین این دو کشور و سایر بازیگران مهم منطقه‌ای باعث تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد شد و ضررهای زیادی را بخصوص در زمینه اقتصادی به کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کند.

## فهرست منابع

- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۶)، تأثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه؛ فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۵۵-۱۸۸.
- اطاعت، جواد، کریمی حسن (۱۴۰۰)، تحلیل ژئوپلیتیکی ناکامی اخوان المسلمین در مصر؛ فصلنامه ژئوپلیتیکی، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۸۱-۱۴۹.
- اقارب پرست، محمدرضا (۱۳۹۰)، ترتیبات امنیت جمعی: الگوی نو برای ایجاد امنیت در خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد واحد شهر رضا، شماره نهم، صص ۲۷۴-۲۶۷.
- آدمی، علی (۱۳۹۱)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- باری، بوزان (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه پژوهش‌سکده راهبردی، تهران: پژوهش‌سکده مطالعات راهبردی.
- بلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، تهران: ترجمه: ابوالقاسم راه‌چمنی، ناشر: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- حاتم جعفری، محمدرضا (۱۳۹۱)، پارامترهای تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی مصر از انقلاب «ناصر» تا کودتای ارتش (۲۰۱۳ - ۱۹۵۲)؛ فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴، زمستان، صفحات ۳۱-۱۵.
- حاتمی، محمدرضا، جرفی احمد (۱۳۹۵)، تغییر هویت دولت در مصر و تحول سیاست خارجی این کشور؛ مطالعه موردی مساله فلسطین و بحران سوریه؛ فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم، بهار.
- درویشی سه‌تلانی، فرهاد، مظفری، سمیرا (۱۳۹۷)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و مصر (۱۳۹۲-۱۳۵۷)؛ فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره (۲۵)، بهار ۱۳۷۹، صفحه‌های ۱ - ۳۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان.
- سیف زاده، سیدحسین (۱۳۷۶)؛ نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌های فکری، تهران، سمت.
- فلاحت پیشه، حشمت‌الله، فاطمه سوری (۱۳۹۶)، جایگاه فلسطین در سیاست خارجی مصر؛ از مبارک تا سیسی؛ فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰، بهار.
- لیک دوید ای. و پاتریک ام. مورگان (۱۳۸۱)، «نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهانی نوین»، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهش‌سکده مطالعات راهبردی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی؛ سازمان انتشارات پژوهش‌سکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، تهران.

- Alterman, J. B. (2015). *Rocky Harbors: Taking Stock of the Middle East in 2015*: Rowman & Littlefield.
- Aly, A. M. S. J. M. E. B. (2014). Post-revolution Egyptian foreign policy. 86, 1-100 .
- Buzan, B. J. S. S. i. t. P.-C. W. E. (1991). *People, States and Fear: An Agenda for International* .
- Cleveland, W. L., & Bunton, M. (2016). *A history of the modern Middle East*: Hachette UK.
- Darwisheh, H. (2015). *REGIME SURVIVAL STRATEGIES AND* .
- Edris, M. S. (2002). The January Revolution and the Egyptian Foreign Role. *The International Politics Journal*, 149 .
- Fakhri, A. V. (2013). *Foreign Policy in the Political Address of President Mohammad Morsi*. The Civilized Dialogue Institute .
- Hanna, M., & Benaim, D. J. F. A. (2018). *Egypt First: Under Sisi, Cairo Is Going Its Own Way* .
- Hassan, H. A. J. H. A., Ed. (2018). *Head East! Toward a Security Alliance between Egypt and the UAE* .
- Kamal, M. (2018). *The Middle East According to Egypt*. *The Cairo Review of Global Affairs* .
- Kamrava, M. (2018). *Troubled Waters: Insecurity in the Persian Gulf*: Cornell University Press.
- Meringolo, A. J. I. E. (2015). *From Morsi to Al-Sisi: Foreign Policy at the Service of Domestic Policy*. 3 .
- Šedivý, J. (2004). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. In: Springer.
- Selim, G. M. J. B. J. o. M. E. S. (2020). *Egyptian foreign policy after the 2011 revolution: the dynamics of continuity and change*. 1-22 .
- Selim, G. M. J. J. o. C. I., & World, t. A. (2019). *The Sino-Russian strategic understanding on the Arab uprisings: Motivations and implications*. 13(2-3), 243-269 .
- Sent, E.-M. J. H. o. p. e. (2005). *Simplifying Herbert Simon*. 37(2), 227-232 .
- Shahrour, K. (2020). *The evolution of Emirati foreign policy (1971-2020): The unexpected rise of a small state with boundless ambitions* .
- Sharp, J. M. (2009). *Egypt: Background and US relations*.

- Taflioğlu, M. S. J. I. R. (2019). Egypt, Possible Conflict and Cooperation Areas in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. 7(07), 295-302 .
- Walt, S. M. J. I. s. q. (1991). The renaissance of security studies. 35(2), 211-239 .

## References

- Alterman, J. B. (2015). *Rocky Harbors: Taking Stock of the Middle East in 2015*: Rowman & Littlefield.
- Aly, A. M. S. J. M. E. B. (2014). Post-revolution Egyptian foreign policy. 86, 1-100 .
- Adami, A. (2012). Bahrain Crisis and Regional Security of the Islamic Republic of Iran. *Rahbord*, 21(62), 141-168. (In Persian)
- Agharebparast, M. (2011). Collective Security Arrangements: A New Pattern for Creation of Security in the Persian Gulf. *Political and International Research*, 3(9), 267-274. (In Persian)
- Buzan, B. J. S. S. i. t. P.-C. W. E. (1991). *People, States and Fear: An Agenda for International* .
- Baylis, J., Smith, S. (2004). *The globalization of world politics: An introduction to international relations*. Translated by Abolghasem Rahchamani, Tehran: Abrar Institute of Cultural Studies and International Research. (In Persian)
- Buzan, B. (1999). *People, States and Fear*. Translated by Strategic Institute, Tehran: Strategic Studies Institute. (In Persian)
- Cleveland, W. L., & Bunton, M. (2016). *A history of the modern Middle East*: Hachette UK.
- Darwisheh, H. (2015). REGIME SURVIVAL STRATEGIES AND .
- Darvishi Setalani, F., Mozafari, S. (2018). Investigating the Factors Affecting the Divergence of Iran-Egypt Relations (1978-2013). *Political Studies of Islamic World*, 7(25), 1-30. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, S. j. (2011). Neoclassical Realism and the Islamic Republic of Iran Foreign Policy. *Foreign Policy*, 25(2), 275-294. (In Persian)
- Edris, M. S. (2002). The January Revolution and the Egyptian Foreign Role. *The International Politics Journal*, 149 .
- Ekhtiari Amiri R. (2017). The Impact of Syrian Fragile Situation upon the Middle East's Security Interactions. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 7(3), 155-188. (In Persian)

- Etaat, J., Karimi, H. (2021). Geopolitical Analysis of the Muslim Brotherhood Failure in Egypt. *International Quarterly of Geopolitics*, 17(62), 149-181. (In Persian)
- Fakhri, A. V. (2013). Foreign Policy in the Political Address of President Mohammad Morsi. *The Civilized Dialogue Institute* .
- Falahatpisheh, H., Soury, F. (2017). Palestine Situation in Egypt's Foreign Policy: from Mubarak to Al-Sisi. *Political Strategic Research*, 20(50), 137-162. (In Persian)
- Faraji, M.R. (2012). Determining parameters of Egyptian foreign policy from the "Nasser" revolution to the army coup (1952-2013). *Political Studies of Islamic World*, 4, 15-32. (In Persian)
- Hanna, M., & Benaim, D. J. F. A. (2018). Egypt First: Under Sisi, Cairo Is Going Its Own Way .
- Hassan, H. A. J. H. A., Ed. (2018). Head East! Toward a Security Alliance between Egypt and the UAE .
- Hatami, M.R., Jerfi, A. (2017). Changing the identity of the government in Egypt and the evolution of its foreign policy; A case study of the Palestinian issue and the Syrian crisis. *International Relations Research*, 7(23), 15-42. (In Persian)
- Jafari, A. K. (2020). Command and Control of the Islamic Republic of Iran in Maintaining Security of the Middle East. *Journal of Political Strategy*, 4(14), 247-261. (In Persian)
- Kamal, M. (2018). The Middle East According to Egypt. *The Cairo Review of Global Affairs* .
- Kamrava, M. (2018). *Troubled Waters: Insecurity in the Persian Gulf*: Cornell University Press.
- Lake, D. L., Morgan, P. M. (2002). Regional orders: building security in a new world. Translated by Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi, Tehran: Strategic Studies Institute. (In Persian)
- Meringolo, A. J. I. E. (2015). From Morsi to Al-Sisi: Foreign Policy at the Service of Domestic Policy. 3 .
- Mohammadi, M. (2011). Global Reflection of Islamic Revolution. Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought, pp. 572. (In Persian)
- Šedivý, J. (2004). Regions and Powers: The Structure of International Security. In: Springer.
- Selim, G. M. J. B. J. o. M. E. S. (2020). Egyptian foreign policy after the 2011 revolution: the dynamics of continuity and change. 1-22 .

- Selim, G. M. J. J. o. C. I., & World, t. A. (2019). The Sino-Russian strategic understanding on the Arab uprisings: Motivations and implications. *13*(2-3), 243-269 .
- Sent, E.-M. J. H. o. p. e. (2005). Simplifying Herbert Simon. *37*(2), 227-232 .
- Seifzadeh, S. H. (2019). Theory-Building in International Relations: Fundamentals and Paradigms. Tehran: Samt Publishing, pp. 400. (In Persian)
- Shahrour, K. (2020). The evolution of Emirati foreign policy (1971-2020): The unexpected rise of a small state with boundless ambitions .
- Sharp, J. M. (2009). Egypt: Background and US relations.
- Taflioğlu, M. S. J. I. R. (2019). Egypt, Possible Conflict and Cooperation Areas in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *7*(07), 295-302 .
- Walt, S. M. J. I. s. q. (1991). The renaissance of security studies. *35*(2), 211-239 .